

راه بقادر سیاست بین الملل

این دیپلماسی چه کارآمد بوده باشد و چه ناکارآمد، در پیش چشم مخالفان دیپلماسی اتفاق افتاده است و حملات آنان در روند کار اخلاقی جدی ایجاد نکرده است. چارلز کیندل برگر معتقد است «دولت-ملت از اول تا آخر قطط یک واحد اقتصادی است». اگر این گفته صدق شرایط کنونی جهان باشد، دلایل خصومت اسرائیل و آمریکا علیه ایران عیان می‌شود. آن جاهایی که براساس نظام بازار اداره می‌شوند، برایشان دشوار است بگذارند کشوری با بن‌مایه‌های ایدئولوژیک در نظام بازار مشارکت کند تا اهداف ایدئولوژیکش را محقق سازد. البته این خصومت دیر هنگام است. ایران با درک درست از جهان چندقطبی، سیاست منطقه‌ای خود را پیش برده و اینک نقش تعیین‌کننده‌ای در منطقه دارد. عراق آمیز نیست اگر بگویم نفوذ سیاسی ایران در منطقه بیشتر از رقبای خویش است. برای اثبات این مدعا باید به عقب برگردیم، به اوایل دی ۹۷ و سفر شبانه دونالد ترامپ و همسرش به استان الانبار عراق و پایگاه نظامیان آمریکا در عین‌السد. این سفر پنهانی ترامپ که موجب ناراضایی دولت و مردم عراق شد، از جنبه‌های متفاوتی تأمل‌برانگیز است. نخست آنکه ترامپ باور دارد هر زمان اراده کند، مرزهای جغرافیایی و اقتدار ملی کشورهای ذی‌نفوذ را نادیده خواهد گرفت. دیگر آنکه نگرانی‌های امنیتی، او را به این کار واداشته است. هر دو این رویکردها شکستی سیاسی برای دولت آمریکا است؛ دولتی که تاکنون درای بقا و نفوذ سیاسی در خاورمیانه هفت تریلیون دلار خرج کرده است.

در جامعه سیاسی آمریکا نیز این عملکرد ترامپ توجیه‌پذیر نیست. بایانکه آمریکا بیش از هر کشور دیگری به اهمیت نفوذ سیاسی در دیگر کشورها آگاه است، به‌گفته کیسینجر قدرت نظامی دیگر نفوذ سیاسی را تضمین نمی‌کند. برخی کشورها قدرت اقتصادی‌اند اما از حیث نظامی ضعیف‌اند. بنیه بنوی نظامی نمی‌تواند ضعف اقتصادی را جبران کند. اگر کشوری فاقد یکی یا هر دوی اینها باشد، بازهم می‌توانند نفوذ سیاسی داشته باشند. کاری که اینک ایران در خاورمیانه باید بکند و ابزارهای این نفوذ سیاسی را دارد. اما دولت‌ها بیش و پیش از هر چیز به بقای خود فکر می‌کنند. آنها ناگزیرند برای بقای خود در کنار مصلحت‌اندیشی دست به انباشت قدرت بزنند. انباشت قدرت اولیه که در سیاست داخلی معنا پیدا می‌کند و انباشت قدرت ثانویه که صدق‌ان آن سیاست خارجی است. همان‌طور که هیچ کشوری بر پایه حمایت‌های دولت‌های بیگانه نمی‌تواند در داخل حکومت کند، بدون انباشت قدرت اولیه هم سیاست داخلی پایداری شکل نخواهد گرفت. انباشتی که بیش از اقتدار نظامی و بنیه اقتصادی از توده‌های مردم نشئت می‌گیرد. دولت‌های انقلابی در این زمینه از دولت‌های دیگر گامی جلوترند. حیات دولت‌های انقلابی که با خواست و توان مردم روی کار آمده‌اند و در گرو سه مفهوم، مشروعیت، اتوریته و ایدئولوژی هستند. این مفاهیم سه دولت انقلابی فرصت می‌دهد در سیاست خارجی دست بالا را داشته باشد. تا حدودی دستاوردهای منطقه‌ای ایران حاصل این شرایط است. شرایطی که کشورهای مخالف را وامی‌دارد تا در مواجهه با ایران با احتیاط عمل کنند. پس بی‌دلیل نیست که مخالفان خارجی ایران بیش از هر چیز بر مسائل داخلی ایران تمرکز دارند و بیشتر فشار را به طبقات سیاسی و اجتماعی وارد می‌کنند تا این طبقات را به این باور رسانند که با سیستمی ناکارآمد سروکار دارند. ایران دوران سختی را پشت سر می‌گذارد. دولتی که گرفتار مسائل اقتصادی است به‌دشواری می‌تواند مردمش را راضی نگه دارد. ازاین‌رو راهی نمانده جز بازگشت مفاهیم انقلابی و احیای دوباره آن. هر دولتی که در داخل مشروعیت، اتوریته و ایدئولوژی (هژمونی) داشته باشد، بعید است در عرصه بین‌المللی دچار بحرانی جدی شود. با به‌کارگیری این مفاهیم و برخورد با دستگاه‌های ناکارآمد و فسادهای سازمان‌یافته را اصلاح را باید با انقلاب هموار کرد. رویه اصلاح‌طلبی کارآمد نیست. اینک جز برخورد انقلابی با مفاسد اقتصادی راهی باقی نمانده است. اصرار بر اصلاح‌طلبی این گمانه را در مردم به وجود می‌آورد که جریان‌های سیاسی در پی خریدن وقت برای دستگاه‌های ناکارآمد و عوامل فساد هستند. اگر دولت‌ها اتوریته خود را در برخورد با نهاده‌ا و سازمان‌های ناسالم از دست بدهند، طبیعی است که مقبولیت‌شان نیز دچار آسیب شود. دولتی که مقبولیت نداشته باشد، هژمونی خود را از دست می‌دهد. این مفاهیم در کنديگر تئیده شده‌اند و بدترین زمان برای دولت زمانی است که اتوریته را در مواجهه با مردم به کار گیرد.

خبر

ورود مجلس به پروازهای چارتری

● رئیس کمیسیون عمران مجلس با تأکید بر اینکه فعالیت چارتری‌ها در مسیرهای پرتردد دیرپرفته شده نیست، گفت: متأسفانه امروز قیمت نهایی بلیت پروازها از سوی چارترکنندگان تعیین می‌شود. به گزارش شمس، محمدرضا رضایی‌کوچی افزود: فعالیت چارتری‌ها در پروازهای پرمسافر و خطوط پرتردد باعث شده چارترکنندگان عملاً قیمت نهایی بلیت را تعیین کنند و این موضوع زمینه‌ساز افزایش چشمگیر قیمت‌ها باشد.

شرق: اعلام رسمی راه‌اندازی کانال مالی ایران و اروپا با بحث و انتقادات فراوانی همراه شد. منتقدان از آن به‌عنوان «برنامه نفت در برابر غذا» و به‌مثابه اقدامی در سطح «هیج» یاد می‌کنند و موافقان معتقدند در روزهای تحریم، جدی‌ترین گزینه برای ایجاد ارتباط مالی و تجاری با کشورهای جهان (به‌جز آمریکا) همین کانال مالی است. غلامرضا نظربلند، اقتصاددان، در گفت‌وگو با «شرق» به جزئیات و شرح مختصات کانال مالی ایران و اروپا پرداخته و از مزایا و معایب آن می‌گوید. به گفته او، ماندن در برجام برای اروپا بسیار حیاتی است؛ مضاف بر این، اگر وضعیت اقتصادی کشوری با جمعیت هشتادوچند میلیون نفری وخیم شود، ۱۵ درصد جمعیت آن کشور هم که سرازیر اروپا شود، ۱۲،۱۰ میلیون مهاجر در پی دارد که بیش از کل جمعیت دو کشور اروپایی فنلاند و نروژ است. اینجا نیز منافع اروپا و آمریکا دچار واگرایی است؛ چراکه آمریکا برخلاف اروپا نگران سرازیرشدن میلیون‌ها ایرانی به خاک خود نیست. او درباره معامله با دو کشور مهم خریدار نفت ایران، یعنی چین و هند می‌گوید: «طبیعی است که هر کشوری مایل است تجارت خارجی خود را با همان واحد پولی خود انجام دهد؛ اما چون یورو در مجموع محکم‌تر از یوان و روبیه است، بنابراین معاملات هرکدام از این دو کشور با کشورهای حوزه یورو، با یورو صورت می‌شود. حال اگر یک یا هر دو کشور مزبور بخواهند در چارچوب سازوکار موضوع اینستکس معامله کنند، از معامله یورو خواهد بود. اگر اینستکس عملیاتی شود و هند و چین هم به آن بپیوندند، امکان انجام معاملات نفتی با یورو فراهم خواهد شد.»

۴ قدری از بیانیه ۳۱ ژانویه سه کشور اروپایی امضاکننده برجام، بگوید. این بیانیه بر چه محورهایی استوار است؟

بعد از گذشت حدود شش ماه از وعده خانم موگرینی مبنی بر راه‌اندازی کانال ویژه مالی در قالب SPV برای دوزدن تحریم‌های یک جانبه آمریکا علیه ایران، بیانیه مزبور از سوی وزرای امور خارجه فرانسه، آلمان و بریتانیا موسوم به E3 صادر و نشر شد. این بیانیه، از راه‌اندازی شرکتی با عنوان instex (به فارسی، اینستکس) و مخفف instrument for supporting trade exchanges، «اِیزار» پشتیبان مبادلات تجاری» (خبر داد، دو روز قبل از صدور بیانیه، اینستکس به ثبت رسیده بود. سرمایه این شرکت سه هزار یورو و بریتانیا رئیس «هیئت نظارت» آن و یک بانکدار آلمانی مدیر آن است. مقر شرکت در فرانسه واقع شده است. رؤس مطالب و محورهای بیانیه از این قرار است:
- تأکید بر تعهد قاطع و تلاش مستمر E۳ برای حفظ برجام؛
- ایجاد شرکت اینستکس در قالب SPV با هدف تسهیل تجارت قانونی بین کاربران اقتصادی اروپایی و ایران؛
- تأکید مجدد بر صیانت از برجام، به شرط ادامه اجرای کامل تعهدات هسته‌ای ایران شامل همکاری کامل با آژانس؛
- حمایت اینستکس از تجارت قانونی با ایران شامل اقلام دارویی، لوازم پزشکی، مواد غذایی و کالاهای کشاورزی؛
- بازگذاشتن در برای کاربران اقتصادی کشورهای ثالث؛
- که میل هستند با ایران و E3 تجارت کنند به‌عنوان هدف بلندمدت‌اینستکس؛

- ایجاد اینستکس به‌عنوان اولین قدم و عملیاتی‌کردن آن بر اساس رویکرد گام‌به‌گام؛ طوری‌که در گام‌های بعدی، نحوه فعالیت آن مشخص و یک نهاد کارگزاری کارا و شفاف ایجاد می‌شود؛
- برخورداری اینستکس با بالاترین استانداردها در رابطه با مقابله با پول‌شویی، مبارزه با تأمین مالی تروریسم و تبعیت از تحریم‌های سازمان ملل و جامعه اروپایی و انتظار اجرای سریع تمام توصیه‌های FATF از ایران؛
- تعهد E۳ به گسترش بیشتر اینستکس به کشورهای اروپایی علاقه‌مند.

برخی اینستکس را به برنامه نفت در برابر غذا تشبیه می‌کنند و حمایت E3 از تجارت اقلام دارویی و مواد غذایی و کالاهای کشاورزی در بیانیه خود را که شما هم به آن اشاره کردید، دلیل این شبهه‌سازی می‌دانند و نسبت به آن ابراز نگرانی می‌کنند؛ نظر شما چیست؟

خیلی مواقع وجود یک سری شباهت‌ها نتهت‌ها کمکی به شناخت نمی‌کند، بلکه موجب گمراهی نیز می‌شود. به گمانم این از آن نوع است. مگر ما اکنون تحت تحریم سازمان ملل قرار داریم؟ مگر ما الان زیر تیغ فصل هفتم هستیم که مشمول تحریم جهانی قرار بگیریم و بعد بپایند به دلایل «بشردوستانه»، غذا و دارو را استنا کنند؟ ما کدام کشورها را اشتغال کرده‌ایم که بیابند «طرح نفت در برابر غذا» برایشان اجرا کنند؟ ما همین الان که بنده در خدمت شما هستم، آژانس ۱۳ بار پائیندی ایران به تعهدات برجامی‌اش را رسماً تأیید کرده است. هنوز دو هفته نیست که رئیس سیا در جلسه استماع کنگره آن اظهارات را مطرح کرد؛ او همان چیزیز را گفت که آژانس ۱۳ بار گفته است. شما توبیت آقای ترامپ بعد از این جلسه را بخوانید؛ از شدت خشم، پشه همه دستگاه اطلاعاتی رازده است. ببینید چقدر فضا و بستر متفاوت است. خب این از داخل خود آمریکا که رئیس کشورش آمده یک‌جانبه از عهدنامه‌ای که پشتوانه قطع‌نامه‌ای سازمان ملل را دارد و همه اعضای دائمی شورای امنیت به علاوه آلمان در جریان مذاکراتش بوده و پای سندن نهایی آن را امضا کرده‌اند، خارج شده است.

آن هم از مهم‌ترین نهاد نظارتی جهانی در موضوعات هسته‌ای و حالا هم واکنش اروپایی‌های امضاکننده برجام را عرض می‌کنم. خبرگزاری فرانسه (AFP) بعد از صدور بیانیه مورد بحث به نقل از یک منبع دولت این کشور مطالب مفصلی مخابره کرد که فرازهایی از آن را نقل می‌کنم: «... ما با این‌ کار می‌خواهیم این پیام مهم

اقتصاد

یک اقتصاددان در گفت‌وگو با «شرق» احتمال ورود چین و هند به کانال مالی ایران و اروپا را تحلیل می‌کند

معامله نفتی مشروط ایران با یورو



Amir Hekmati

سقوط نجات دهیم. اینک کشورهای اروپایی امضاکننده برجام در جهت صیانت از این توافق‌نامه قدم ولو کوچکی برداشته‌اند که موجب گشوده‌شدن روزنه‌ای شده است. بدون آنکه بخواهیم خوش‌خیالی‌کنیم و نیمه‌خالی لیوان را نبینیم، این احتمال را هم نمی‌توانیم مردود بدانیم که گشایش همین‌قدر روزنه ممکن است موجب برون‌رفت از شرایط حاد کنونی شود و تعامل بین ما و قاره سبز را رقم بزند. ما اگر نمی‌توانیم تهدیدها را به فرصت تبدیل کنیم، دست‌کم باید با استفاده از فرصت‌ها، تهدیدات را پشت سر بگذاریم. پادمان نرود که اینها همان کشورهایی‌اند که در دوره پس‌برجام ما را به همان شدت آمریکا تحریم کردند و قبل از آن، با امضای قطع‌نامه‌های تحریمی زمینه حقوقی اعمال شدیدترین تحریم‌ها را فراهم کردند. حالا آنها نتهت‌ها در تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا علیه ایران مشارکت نمی‌کنند؛ بلکه گمان می‌رود که می‌خواهند جلوی آن هم بایستند. سپهر سیاست و عالم روابط بین‌الملل به‌شدت سیال است. هرکس بسته به شرایط و مقتضیات زمان وفق سنجه و متره‌ای به نام منافع ملی و بلوکی موضع می‌گیرد و براساس آن کشگری می‌کند. ما هم منافع خود را داریم و باید براساس این کشگری کنیم.

۴ اگر اینستکس به همین فاز ختم شود، هم نمی‌توانیم بگویم برنامه نفت در برابر غذاست؟

من با اصل این شبهه‌سازی مشکل دارم. شما اگر هم می‌خواهید دست به مقایسه بزنید، باید بر اساس سنجه و متره‌ای باشد. اگر فرضاً اروپا می‌خواست همان برنامه را پیاده کند که شش ماه وقت برای طراحی مدل با استفاده از ابزارهای پیچیده مدیریت مالی مدرن، لازم نبود؛ از همان «برنامه نفت در برابر غذا» الگو می‌گرفت و اجرا می‌کرد. از شش ماه پیش که خانم موگرینی اعلام کرد جامعه اروپایی به دنبال سازوکاری برای «دوزدن» تحریم‌های آمریکا علیه ایران» است. لفظ SPV هم سر زبان‌ها افتاد. بنده هم چند یادداشت درباره آن نوشتم که حاوی توضیحات لازم است. خلاصه عرض کنم که SPV یا «شرکت واسطه»، نوعی «ابزار- نهاد مالی» است که کارکرد اصلی آن در مالی شرکت‌ها (corporate finance)، «دوزدن» است. مثلاً شرکت‌های مادر وقتی می‌بینند که در انجام یک رشته فعالیت‌ها معزودن یا اصولاً نباید کل مجموعه‌شان را به دلایلی درگیر آن فعالیت‌ها کنند، موافق می‌شوند با ایجاد SPV از سر راه برمی‌دارند. اما این نوع SPV که حالا فرانسه و آلمان و انگلیس می‌خواهند را ببینانند، خبلی کلان‌تر از نوع شرکتی آن و به‌عبارتی هم منحصر به فرد است زیرا نه قلمرو شرکتی، بلکه قلمرو بین‌الدولی (inter-governmental) دارد. مثلاً در همین گام نخست، بین سه کشور از یک طرف و ایران از طرف دیگر است. موافق می‌شوند که این مدل هم پیاده شود.

که این دگر بنی نیست و اصلاً نیازی هم به آن نیست. پیشاپیش محکوم به شکست است و بازنده اصلی آن هم همین سه کشورند. چندی پیش در یادداشتی گفتم که سونی‌سشن هم دنبال ایجاد SPV-Hu- (حرف اول H- man به معنای «انسانی» است که غذا و دارو را نداعی می‌کند) هستند که به احتمال زیاد با چراغ سبز آمریکایی‌هاست. به گمانم آمریکایی‌ها هم بدشان نمی‌آید که ابتکار عمل سه کشور برجامی اروپا را در همین قدم اول به شکست بکشانند. آن موقع سونیسی‌ها یک‌تاز میدان خواهند بود.

۴ شما افق تحت پوشش این گام نخست را فقط شامل دارو و غذا می‌دانید؟
وزیر خارجه انگلیس در پی صدور بیانیه مورد بحث اظهار کرد که کالاهای مصرفی (consumer goods) هم جزء اقلام تحت پوشش فاز نخست اینستکس است. کالاهای مصرفی نوعاً طیف وسیعی از کالا به معنی کالا را در بر می‌گیرند که وسایل خانگی، وسایط نقلیه، ابزارهای ارتباطی، کوشن‌های هوشمند، ماشین‌های اداری و رباتی و خیلی از نرم‌افزارها از آن جمله‌اند. ضمناً توجه داشته باشیم که همین اقلام دارویی و غذایی و کالاهای کشاورزی که در بیانیه به‌صراحت از آنها نام برده شده، اقلام کمی نیستند. مثلاً گوشت که این روزها همه واردکننده آن شده‌اند، یک قلم از آن است.

۴ بالاخره بعد از گذشت چندین سده بیانیه‌ای از سوی سه کشور اروپایی نامبرده صادر شد و هنوز هم در عمل اتفاق خاصی نیفتاده است. همین بیانیه را هم که می‌بینید، از آن استحکام لازم برخوردار نیست و شروطی‌های هم قائل شده‌اند. چقدر با این تفسیر موافقت؟
بیانیه خیلی سراسر است نیست و غیر از آنکه ما را موظف به ماندگاری در برجام می‌کند، عمل به توصیه‌های FATF را هم از ما می‌خواهد. افزون بر این، بیانیه را بدون ابهام نمی‌بینم. اینها درست، منتها مگر ما در شرایط ایدئال قرار داریم که انتظارات خود را بر اساس آن تنظیم کنیم؟ ما عجلالتا باید از شر اختاپوس تحریم‌های سهمگین آمریکا رها شویم و معیشت مردم را با کمترین هزینه و عوارض جانبی ناشی از تحریم‌ها تأمین کنیم و اقتصاد کشور را از

بازی می‌کند؛ اما فرقی این است که فیفا خودش قدرت اجرایی دارد و آن را هم بدون بروبرگرد اعمال می‌کند؛ اما FATF فعلاً از خودش قدرت مستقلی ندارد و عمدتاً نفوذ کلام دارد. این نفوذ برخاسته از مأموریتی است که FATF درباره میزان تبعیت کشورهای جهان از استانداردهای مقابله با پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم و از این قبیل عهده‌دار انجام آن است. کارگروه ویژه اقدام مالی مثل مؤسسات رتبه‌سنجی است که میزان اعتبار شرکت‌ها را براساس ضوابطی معین می‌سنجند و آنها را درجه‌بندی می‌کنند؛ اما فرق آن این است که نه با شرکت‌ها، بلکه با کشورها سروکار دارد. به‌علاوه این کارگروه تنها نهادی در جهان است که عهده‌دار مأموریت پیش‌گفته است. بدیهی است وقتی تشکیلاتی می‌خواهد باید کانال تجارت شما با کشورهایی که آنها را نمایندگی می‌کند، بشود و حساب و کتاب بکند و با یک واحد پولی مشترک (یورو) عملیات پایایی و تسویه انجام بدهد، باید مقررات واحدی هم طرفین وجود داشته باشد تا مانند چوب‌خبط، روابط فی‌مابین را تنظیم کند. توجه داشته باشیم که آنها نتهت‌ها FATF را مشکلی ندارند؛ بلکه آن را معیار تنظیم روابط مالی و بانکی می‌دانند؛ بنابراین معلوم است که آنها از شما هم می‌خواهند که خود را با همان سنجه و متره‌ای که مبنای کاری مشترک است، تطبیق دهید. بد نیست یادآوری کنم که جامعه اروپایی هر کشوری را که بخواهد به عضویت بپذیرد، سالا‌ها آن مذاکره می‌کند که خود را با مقررات جامعه وفق دهند.

۴ چه مشکلاتی بر سر راه اجرایی‌شدن اینستکس موجود است؟

مشکلات فراوان است. نتهت‌ها ما که به‌عنوان ناظر تحولات در دنبال می‌کنیم، چیز زیادی از جزئیات این سازوکار نمی‌دانیم؛ بلکه فکر می‌کنم حتی چیزهای زیادی برای بنیان‌گذاران آن هم مجهول است یا مغفول مانده است. علت اصلی این مشکل را باید در این دانست که چنین چیزی قبلاً موجود نبوده که عملاً تجربه شده باشد. البته دو اشکال مهم دیگر هم وجود دارد؛ یکی آنکه اروپایی‌ها به دلیل ترسی که از رشدن دشتان پیش آمریکایی‌ها دارند، مجبورند چراغ خاموش حرکت کنند تا آنها به‌راحتی مزاحمتان نشوند. دیگر آنکه به نظر می‌رسد آنها در رابطه با ایران خیلی محتاط‌اند و می‌خواهند از همه‌چیز خاطرشان جمع شود و به اصطلاح، کارها را دوقبضه کنند که مثلاً رو دست نخورند. این است که آنها هر قدمی که می‌خواهند بردارند، به وسواس برمی‌دارند.

۴ آیا مشکلی هم از ناحیه طرف ایرانی وجود دارد؟
بالاخره ما هم به آنها اعتماد نداریم و در حافظه تاریخی‌مان برخی پیمان‌شکنی‌هایشان ثبت و ضبط است. ولی دو طرف چاره‌ای جز همکاری ندارند. افزون بر این، ما هم تا آنجا که به خود سازوکار مربوط می‌شود که گوییم، دو مشکل، دو مسئله داریم. نخست بحث FATF است و دوم بحث تمهیداتی است که ایران باید ببیندیشد و بسترهایی را فراهم کند تا سازوکار مزبور اجرایی شود. در اظهارات چند مقام اروپایی دیدم که آنها از necessary counter measures به معنای تدابیر لازمی که همتای ایرانی باید اتخاذ کند، اسم برده بودند. این تدابیر شامل ایجاد دفتر در تهران برای ارتباط‌گیری مستقیم با دفتر اینستکس در پاریس و نیز انجام یک رشته پیگیری‌هاست. ضمناً وزارت خارجه همه کشورهای مشارکت‌کننده هم نماینده‌ای در اینستکس خواهند داشت که طبعاً وزارت خارجه ایران هم باید نفر خود را تعیین و معرفی کند.

۴ جز از ارتباط خارجی‌گفتید. آیا وزارت خارجه کشورمان در جریان گفت‌وگوها و اقدامات سه کشور مزبور برای راه‌اندازی اینستکس قرار داشت و آیا اصولاً می‌توان بگونه‌ای عمل کرد که ایران هم بتواند بازنگری کند و نقطه نظرات خود را به آنها بفولاند؟

من هیچ اطلاعی از اینکه ایران در جریان گفت‌وگوهای سه کشور بوده یا تأثیری روی تصمیمات متخذه داشته است یا نه، ندارم. اما تا آنجا که اطلاع دارم وزارت خارجه خودمان قوت لازم را در این امور ندارد. با وجود اینکه در نمودار سازمانی دستگاه دیپلماسی کشور معاونتی برای رتق‌وتفیط امور اقتصادی در نظر گرفته شده است، حداقل تا آنجا که من می‌دانم، عملکرد مشعشی از آن مشاهده نشده است. البته من بخدمت شغف است. اگر دیپلماسی پنهان در این زمینه، عملکرد مقبولی دارد، طبعاً تا آن بی‌اطلاعم، درمورد قسمت آخر سؤالتان هم باید بگویم بله، بالاخره اگر شما در هر زمینه‌ای، بنیه قوی کارشناسی داشته باشید، می‌توانید متناسب با آن، تأثیرگذار باشید.

۴ حال فرض کنیم که سازوکار مورد نظر عملیاتی شود. آیا به محض عملیاتی‌شدن، آمریکا جلوی آن را نمی‌گیرد؛ طوری‌که اروپایی‌ها هم نتوانند با آن مقابله کنند؟

فضایی که ما درباره آن صحبت می‌کنیم به‌شدت مه‌آلود است. در چنین فضایی نه تنها افق دید کم است، بلکه احتمال وقوع حوادث سوء هم به مراتب بیشتر از شرایط عادی است. آمریکا هم قدرت دارد و هم زورگو است. وقتی کسی این دو را با هم داشته باشد، ممکن است دست به هر کاری بزند. ولی این پایان ماجرا نیست. «اروپای سه» را نباید خیلی هم دست کم گرفت. بریتانیا اگر عملکرد اسب تروا را نداشته باشد، حضورش در اینستکس به دلیل نفوذ عمیقی که روی واشگتن دارد، تعیین‌کننده است. نمی‌دانم، شاید قراردادن انگلیس در بالاترین موقعیت سازمانی این شرکت بی‌حکمت نباشد، وگرنه این کشور نه قدرت اقتصادی برتر اروپا است و نه برخلاف دو کشور دیگر پولش یورو است؛ ضمن آنکه مشکل برکزیت را هم دارد. به گمانم E3 اگر اراده کند، می‌تواند تا حد قابل توجهی تهدیدات آمریکا را نادیده بگیرد و دست‌کم فاز نخست را اجرایی کند.

ادامه در صفحه ۵

۱۰ سال پول بنزین در جیب مافیای خودرو

سعید ساویر . کارشناس انرژی

● شدت مصرف انرژی ملاک و معیاری است که بر اساس آن می‌توان سنجید یک جامعه چقدر از مهم‌ترین و گران‌ترین بخش ملزومات زندگی، یعنی انرژی، بهینه استفاده می‌کند. در واقع شدت مصرف انرژی به ما نشان می‌دهد که چقدر از انرژی مصرفی در یک کشور تبدیل به کار مفید می‌شود.

معمولاً این شاخص از تقسیم یک واحد انرژی بر یک واحد از تولید ناخالص داخلی محاسبه می‌شود؛ اگر شدت مصرف انرژی در یک کشور بیشتر از کشور دیگر باشد، به این مفهوم است که آن کشور برای تولید همان میزان کالایی که در کشور دوم تولید می‌شود، میزان بیشتری انرژی مصرف می‌کند.

شاخص شدت مصرف انرژی یا عکس آن یعنی بهره‌وری انرژی در ایران، بدترین وضعیت را در جهان دارد. بر اساس آمار در سال ۲۰۰۸ متوسط شدت مصرف انرژی در جهان ۱۰۴ بشکه نفت خام به ازای هر هزار دلار بوده که این رقم در ایران در همان زمان چیزی حدود ۴۰۲ بوده است. از سویی بخش اعظم تولید ناخالص داخلی در ایران صادرات میعانات گازی است و افزایش قیمت نفت وضعیت شدت مصرف را بهتر می‌کند که این ناشی از مصرف بهینه نیست. بسیاری معتقدند که عدد ۶۰۸ بشکه نفت خام به ازای هر هزار دلار عدد صحیح شدت مصرف انرژی ایران در سال ۲۰۰۸ بوده است.

آمار ارائه‌شده هم مربوط به ۱۰ سال پیش است، اگر تاکنون بدتر نشده باشد، قطعاً بهتر نشده است؛ اقتصاد ایران باید یک فکر اساسی و عاجل برای کاهش شدت مصرف و افزایش بهره‌وری انرژی خود بکند. یکی از راه‌هایی که بسیار سریع می‌تواند به کاهش شدت مصرف کمک کند، واقعی‌کردن قیمت‌هاست که در ایران با توجه به بارانه‌ای‌بودن انرژی به مفهوم کاهش یا رفع کامل یارانه‌های انرژی است.

یکی از اصلی‌ترین بخش‌های انرژی بنزین و گازوئیل است که گران‌کردن آن این روزها از مهم‌ترین چالش‌های دولت و وزارت نفت به حساب می‌آید.

اینکه چرا حقیقتی به این وضوح که باید حامل‌های انرژی گران شود و هیچ راه دیگری جز گران‌کردن آن پیش‌روی ایران نیست، تا به این حد در سطح عموم غیرقابل پذیرش است، ریشه در جایی غیر از سیاست‌های انرژی و قیمت حامل‌های انرژی دارد.

به این اعداد و ارقام توجه کنید، خودروی مزدا نیو با بالاترین امکانات مونتاژشده در ایران که طراحی سال ۲۰۰۸ است، درحال‌حاضر در بازار حدود ۲۹۰ میلیون تومان عرضه می‌شود، خودرو مزدا نیو ۲۰۱۸ با آخرین طراحی و ساخت ژاپن در بازار دویی بین ۱۸ هزار تا ۲۷ هزار دلار عرضه می‌شود که نهایتاً ۳۰۰ میلیون تومان با دلار روز ایران ارزش‌گذاری می‌شود. با یک حساب سرانگشتی خودروی عرضه‌شده به مردم ایران تقریباً نصف قیمت خود ارزش دارد، یعنی هر خریدار مزدا نیو چیزی حدود ۱۵۰ میلیون تومان بیشتر پول می‌پردازد.

خودروی چینی جری آریزو۳ و آریزو۵ و آریزو۷ طراحی ۲۰۱۹ که ۳۵ هزار تا ۴۱ هزار درهم امارات در دویی عرضه می‌شود که اخیراً خودروی آریزو۵، ۱۹۰ میلیون و آریزو۶، ۲۹۰ میلیون در ایران ارزش‌گذاری شده است؛ تقریباً می‌توان گفت که قیمت آن در ایران ۴۰ تا درصد گران‌تر از دویی است. اگر این نکته را به حقوق و دستمزد در امارات متحده عربی ده‌ها برابر ایران است نیز در کنار قیمت‌های خودرو قرار دهیم، به این نتیجه می‌رسیم که یک مافیای بزرگ به نام مافیای خودروسازی سال‌هاست دست در جیب اقتصاد ایران کرده و خودروهایی با طراحی قدیمی و کیفیت پایین را بین ۴۰ تا ۵۰ درصد گران‌تر از قیمت‌های بین‌المللی به مردم ایران با ایجاد رانت و انحصار می‌فروشد؛ حالا حساب کنید اگر بنزین لیتری ۵ هزار تومان عرضه شود، با ۱۵۰۰میلیون تومان می‌توان ۳۰ هزار لیتر بنزین خرید که هر مصرف هر خودرو نرمال را برای هر صد کیلومتر هشت لیتر در نظر بگیریم و مسافت طی‌شده توسط همان خودرو در سال را ۳۰ هزار کیلومتر فرض کنیم، میزان بنزین مصرفی در طول یک سال دوهزارو ۴۰۰ لیتر به‌دست می‌آید و این به مفهوم آن است که در هنگام خرید خودرو گاهی پول مصرف ۱۰۰سال بنزین پنج‌هزارتومانی بینشاپیش از خریدار یا رانت و انحصار گرفته می‌شود.

همین محاسبات با شدت بیشتر برای خودروهایی چون پراید، پرشیا و انواع دیگر پژو در ایران وجود دارد و در واقع به کلام ساده می‌توان گفت تمامی خودروها در ایران حداقل ۳۰ درصد پایین‌تر از قیمت خود ارزش دارند، پس می‌توان قیمت حامل‌های انرژی را آزاد کرد و به قیمت‌های بین‌المللی نزدیک کرد اما این کار در درجه اول منوط به آن است که مافیاد دست از سفره اقتصاد ایران کشیده و بازار خودرو به‌عنوان یک بخش اصلی مصرف‌کننده سوخت آزاد شود.